

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ جون ۲۰۱۸

باند های قدرت و انتصابات پیش رو!

۳

چهارشنبه- ۲۳ جوزا ۱۳۹۷ - کابل: سومین جریان که فعلاً پراکنده، ضعیف و فاقد رهبری به نظر می رسد مگر می تواند در صورت مساعدت شرایط و رفع محدودیت ها بر هر دو جریان قبلی غلبه نماید جریانیست که "کرزی" و بقیه سران اقوام پشتون، تاجیک، ازبک، هزاره و ... خارج از حلقه "مثلث فاشیزم" و باندیست های سکتاریست و تجزیه طلب، با تعداد زیادی از زراندوزانی اند که از طریق همکاری با حاکمیت "کرزی" به قارون های زمان خویش مبدل شده و نمی خواهند توسط افراد نزدیک به دو جریان دیگر سلب مالکیت شوند.

مشکلاتی که این جمع می باید با آن دست و پنجه نرم نمایند، چند نکته است:

۱- هرگاه پای کاندیدشدن "حامدکرزی" در میان نباشد، آنها فرد دیگری را ندارند که بتواند محور تجمع دیگران شود، مگر مشکل "کرزی" بیشتر در دو نکته خلاصه می شود:

الف- تاجائی که از متن به اصطلاح قانون اساسی دولت دست نشانده بر می آید، در آن جا تأکید صورت گرفته که یک فرد دو دوره می تواند رئیس جمهور باشد. این که فردی بعد از فاصله چهارساله باز هم اجازه دارد تا خود را کاندید نماید و یا نه، در قانون صراحت ندارد. در نتیجه می تواند کاندید شدن "کرزی" زیر نام مخالفت با قانون اساسی از طرف رقبایش در حاکمیت منتفی اعلام شود.

ب- با خیز و جستی که "کرزی" اینطرف و آنطرف زده و گاهگاهی مقابل امریکا هم غریبه است، قبل از اعلام کاندیدشدن، وی ناگزیر است اجازه امریکا را بگیرد. هرچند دیدار اخیرش با سفیر امریکا و قرار اخبار سرچوک، اشاره سفیر به کاندیدشدن مجدد، اگر راست باشد می تواند این معضله را خاتمه یافته شده اعلام دارد، با آنهم به صورت رسمی تا هنوز اعلام نشده است.

پ- اهمیت این موافقت در حدیست که نه تنها موانع قانونی مثل به اصطلاح "قانون اساسی" را از بین می برد، بلکه بیانگر اراده استعمار در حاکمیت مجدد این نوکر زرخرید اشغالگران تلقی شده، ارگانهای مسؤول نیز خواهند دانست که وظیفه دارند تا امکانات انتصاب وی را آماده بسازند.

۲- دومین مشکل این جریان بی بهره بودن از مقامات و بدنه نهاد های انتخاباتی است. مگر آنها خلاف آن دو امکان می توانند با تکیه بر مناسبات قومی و بیشتر از آن پول و افری که در اختیار خواهند داشت، در قسمت خرید مقامات و بدنه نهاد های مسؤول انتخابات حاتم بخشی نموده، حریفان را به زور پول به زانو در آورند.

۳- این جریان در کنار دو مشکل از یک امتیاز نیز برخوردار است. آن امتیاز امکان جذب نیرو از درون دو جریان مقابل است. بدان معنا که تمام آنهایی که از تشدید تضاد بین جریان اول و دوم هراسی در ذهن شان دارند و فکر می کنند در صورت تشدید تضاد و پیروزی هر یک از دو جریان اولی، تصفیه رونق خواهد یافت، به این جریان معتدل و مماشاتگر خواهند پیوست.

۴- حال که هر سه جریان را دیدیم و این را هم مطمئن هستیم که هر سه روند فقط به مثابه ابزار تحکیم حاکمیت استعماری عمل خواهند کرد و خارج از تحکیم حاکمیت استعماری نه اراده آن را دارند و نه هم توان و ظرفیت تاریخی آن را، با قاطعیت و با صدای بلند می توانیم فریاد بزنیم:

گذشته از این که شرکت در این مضحکه حتا در سطح دادن یک رأی، به رسمیت شناختن و مشروع دانستن تجاوز و یک روند استعمارپرست و به تناسب هر رأی افراد نزد تاریخ و وجدان خود مسؤولیت دارند، مسؤولیت قانونیت بخشیدن به یک مولود نامشروع که دولت دست نشانده باشد، آنهایی را که خود را کاندید می نمایند، چون برای مرجعی خود را کاندید می نمایند که مهمترین وظیفه آن مرجع قانونیت بخشیدن به اشغال و مستعمره شدن کشور است، در نتیجه ذات ابراز آمادگی آنها به این کار خیانت محسوب شده، می توان آنها را خاین ملی معرفی نمود.

در این میان اراده آنائی که زمانی در صف مردم قرار داشتند و یا ادعای آن را داشتند که در صف مردم قرار دارند، و اینک تصمیم گرفته اند تا خود را برای وطنفروشی کاندید نمایند، خیانت به کشور و خیانت به آرمانهای جانبازان خلق به شمار می رود.

دیده شود چه می شود!!